

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary - Cultural

ادبی - فرهنگی

سید هاشم سدید

۱۷ مارچ ۲۰۱۲

طنز چیست؟

طنز به نوع خاصی از نوشته های ادبی گفته می شود که بنابر دلایلی عیوب، اشتباهات، کمبودات، نادرستی ها و مفاسد افراد یا گروه های اجتماعی - سیاسی را در قالب سخنان مرموز و معکوس، بعضاً به شیوه های خنده دار، بیان می کند.

هدف اصلی کاربرد این نوع از نوشته ها، اگرچه برخی آن را برای استهزا، مسخره کردن، طعنه زدن و بیرون ریختن عقده های شخصی خویش به کار می برند، به نقد کشیدن انواع نارسائی ها و در بعضی موارد حتی ضعف های تعلیمات اجتماعی و تفکرات فلسفی - دینی مسلط در جوامع است، که غالباً بنابر قساوت حاکمان و وجود اعتقادات محکم مردم بدان ها امکان عیب گیری و نقد صریح و آشکار از آنها میسر نمی باشد.

طنز، مانند هزل و هجو و مزاح و ریشخندی و شوخی و ظرافت و ... که زیر مجموعه های مطایبه و فکاهه و لطیفه هستند، از زمان های بسیار دور در ادبیات مردمان مختلف جهان وجود داشته است. تفاوت طنز و هزل و هجو در این است که طنز اکثراً بر پایه رعایت ادب و احترام به زبان و قلم و آداب استوار است، درحالی که هزل و هزال کمتر به این مفاهیم توجه دارند.

در مورد تفاوت طنز با هجو نظر غالب ادباء و فرهنگیان ما بر این است که زبان طنز خلاف زبان هجو که متوجه بیان مقاصد شخصی، انتقامجویانه، مبتذل و سودگرایانه می باشد، غالباً زبان حکیمانه است و موضوع طنز معمولاً پیرامون نارسائی های اجتماعی می چرخد.

در ابیات فارسی طنز پردازان (طننازان) زیادی وجود داشته اند که غالباً به صنف شاعران مربوط اند. شاعران و نویسندگان طنز پرداز تقریباً به طور عموم مردمان بادرک و با احساس و نیکو سرشتی بوده اند که خلاف شاعران یا نویسندگان مدیح خوان که کار شان مدیحه سرائی شاهان و حکمرانان و بزرگان و متمولین زشت کردار و پیشوایان فکری (که بیشترین شان آلوده به بزهکاری و پلیدی نظری و عملی هستند) جامعه به خاطر صله و عطیه و احسان بود، هدف شان آگاه ساختن انسان به تلخ ترین واقعیت های موجود در حیات فردی و اجتماعی شان و تعلیم درستی ها و نشان دادن زشتی ها به شکل مطایبه، یعنی شوخ طبعی و به گونه ای که زیاد تخریش کننده احساسات و

غرور صاحبان اقتدار و قدرت و صاحبان اندیشه ها یا تعالیم مسلط در جامعه که غالباً زودرنج و حساس و خطرناک بوده و اند، نباشد.

در تاریخ معاصر، که بعضاً خود ناظر مستقیم و غیرمستقیم آن هستیم، کسانی زیادی وجود داشته اند که به خاطر علاقه داشتن به ادبیات نقد، به خصوص ادبیات طنز، سال ها را در تبعید گذرانده یا شربت تلخ مرگ را فرونوشیده اند.

طنز معاصر ماهیتی چند پهلوی دارد. وجود چنین ماهیتی چند پهلوی در طنز امروزی سبب می شود که برای درک منظور طنز تفکر بیشتر و عمیق تری به کار برده شود.

بدون تفکر گسترده و توجه به ظرافت های پنهان در طنز، فهم کامل از آنچه در ذهن طنزپرداز می گذرد و آنچه طنزپرداز می خواهد به عنوان پیامی به مخاطب خویش انتقال دهد، امری است مشکل. به طور مثال پیامی را که من با بیان:

" در غیر آن شما می توانستید به منسوبین شورای علمای اسلامی بگوئید که برادر، اگر در اینجا قرآن چنین آمده، در جای دیگر هم چنان آمده است!! و... " به کرزی و در واقع به همه مخاطبان خویش می خواستم انتقال بدهم - یک واقعیت آشکار را که نپذیرفتن آن خود نوع جهل و دشمنی کاملاً کور با اندیشه دینی است - کمتر کسی متوجه شده است!

در اخیر یک بار دیگر خاطر نشان می کنم که اگر امکان نقد صریح از زشتی ها و مفاسد در یک جامعه، به خصوص در جامعه بسته ما، وجود می داشت، هیچ گاه هیچ منتقدی، از جمله شخصی به نام احمدشاه از کابل، که در دریچه ابراز نظریات پورتال افغان جرمن به نقد دین و نقد نوشته من پرداخته است، به نوشتن اسم مستعار یا گفتن و نوشتن نقد صریح از دین و رهبران دینی - سیاسی موجود و کسانی هم به نوشتن فکاهه و طنز روی نمی آورند.

سیدهاشم سدید

۲۰۱۲/۰۳/۱۶